

■ **دفع بعضی شبیهات از تاریخ /حمله دربار و مبارزه روحانیت**

...عجیب آنست که علما اعصار و امطار، کم و بیش که متحرک بودند یا سکوت می کردند غالباً تمسک می‌جویند به صلح و جهاد امامین همامین(ع) بدون آنکه زمان خودشان را در نظر بگیرند و از باب مثال باید به عرض خوانندگان محترم برسانم که در زمان ما بین دولت و سلطان ایران و روحانیت که در آستان پدربزرگوار نگارنده بود اختلافاتی شدید اتفاق افتاد. ابتدا بر سر مسئله شرکت زنان در کارهای مملکتی و دخالت آنان در مجلس شورا و سنا و الغاء قید اسلام از صفحه قانون عرفی ایران و همچنین الغاء قسم خوردن به کتاب مجید و تبدیل آن به کتاب آسمانی که مقصود اعم از کتب حقه و غیر حقه باشد و بعضی امور دیگر بود و این نزاع و اختلاف بالا گرفت ولی بحمدالله روحانیت غلبه کرد و در سال ۱۳۸۳ ق خاتمه یافت. سپس مبارزهای عمیق بین شاه مملکت و روحانیت بر سر قانون عرفی و ارتکاب منکرات قطعی پیش آمد و نظر به اینکه پدرم می‌دانست که در این قصه شاه دخالت دارد و باید قوا را محکم کرد و صفوف را فشرده‌تر نمود...

شاه مردی خبیث و لجوج و خودخواه بود و فکر نمی‌کرد که بعد از مرحوم بروجردی(قدس سره) دیگر در ایران مردی باشد که بتواند در مقابل خواسته او کلمه‌ای بگوید. بعد از آن که دید چنین نیست به فکر کوبیدن عملی قم افتاد و ابتدا حمله‌ای شدید به مدرسه فیضیه نمودند و تا آنجا که ممکن بود قشون جنگیزی دسمار از روزگار چند صد نفر از شاگردان حضرت صادقی(ع) در روز وفات آن حضرت کشیدند. گرفتند و زند و برندن و سوزانندند و غارت نمودند و بیماران حادثه شوم ۲۵ شوال را که مطابق با دومین روز فروردین سال ۱۳۴۲ بود از بیمارستان بیرون کردند و آنچه که نباید دشمن با دشمن در سخت‌ترین جنگ‌های جهانی کند ایشان با ملت خود و طبقه روحانیت کشور کردند.

■ **پدرم و یارانش ایستادی کردند**

از این هنگام وظیفه روحانیت دو قسمت می‌شد: یک طایفه عقب‌نشین می‌کردند... و یک طایفه که در رأس آنان پدر من بود ایستادگی به خرج دادند و کار بالا گرفت و اعلامیه‌های ایشان شدید شد و در نتیجه مقاومت ملت ایران که از این خانواده(خانواده شاه) نهایت نفرت را داشته و دارند به ایشان گرویدند و از خارج و داخل او را تأیید کردند و در نتیجه شخصیت ایشان تا حدودی بارز گشت. او مردی بود جامع از جهت شجاعت و از حیث عقل و از جهت علم و عمل و گویا که ملت ایران که در سنوات اخیر سه نفر از بزرگان خود را از دست داده بودند که مجموع آنان دارای این اوصاف بودند یک مرتبه متوجه شدند که مردی به نام «خمینی» دارای این سه وصف است و آنچه که از دست رفته بود باز به جوی برگشت به نحو احسن و بهتر. از این روی تمام فداکاری خود را محض در آن کردند و در این هنگام نقطه‌ها و خطابه‌های آتشی ایشان که مردیحا علیه آن مرد(شاه) بود ابراز گشت و او خوب فهمید که بعد از خطابه مدرسه فیضیه که در روز عاشورای سال ۱۳۸۳ مطابق با ۱۵ خرداد ماه سال ۱۳۴۲ در مقابل ده‌ها هزار نفر جمعیت قم و مسافرن صورت گرفت دیگر نمی‌توانند زندگی کند و چاره‌ای جز قیام مسلحانه علیه ملت نیست و در نتیجه روز ۱۲ محرم همان سال(۱۳۴۲ ش) قبل از طلوع فجر به منزل شخصی ایشان(امام خمینی) با قوای مسلح حمله کردند و حضرتش را به جانب تهران و زندان بردند و از اینکه موافقت کنند که نماز صبح(به جا آورد) خودداری کردند.

دنبال این قضیه که من خودم شاهد بودم و در مقابل من ایشان را با فوکسی به درب می‌ریختانه قم بردند و از آنجا با یک ماشین آخرین سیستم به تهران منتقل نمودند اهالی شهرستان قم که از خواب بیدار شدند و قاضی فهمیدند که سوابق ایشان و کارهای آن مرد به مقدار کافی مطلع بودند به منزل ایشان آمدند و من هم جمعاً از آنان به صحن قم رفتم و جمعیت تدریجاً جمع شدند و اینجاب... به فراز منبر رفتم... و روزی عجیب بود، روزی بسیار شگفت‌انگیز بود، هر مردی انگار بهترین عزیز خود را از دست داده بود، هر زنی گویی بهترین جوان ناکام خودش را در شمله آتش می‌دید.

■ **توصیفی از روز ۱۵ خرداد در قم**
نمی‌توانم بگویم که چه روزی بود، تمام دکاکین بسته، مردم گرسنه هوای گرم تابستان، چنان جمعیت در هم فشرده شدند که من فکر کردم الان ممکن است چند نفر تلف شوند. از این رو جمعیت را به خارج صحن سوق دادم که از چپتی از خطب بیجا پیدا کنند و از چپتی بر ابهت قضیه افزوده شود و بلکه دست ظالم کوتاه گردد. غافل از آنکه قوای مسلح عصبانیت را دارد و هر چیزی که از مظاهر دولت است او را از بین می‌برند تا آنجا که به اتومبیل‌های حامل سرباز مسلح حمله بردند و آنان هم که در این موضع دستور داشتند شلیک کنند چنان کردند که شایسته نبود. صدای تیر از طرفی در هوای قم طنین‌انداز بود. جمعیت‌های مختلف از هر گوشه قم به طرف صحن آمده بودند و دسته‌ای هم از زنان محترم قمی که واقعاً... این نهضت شیرچه‌های کوچک شکرخوا را بودم که(ا روی دست به طرف آستانه قدس معصومی می‌روند. ساعت‌های متوالی روحانیون قم و مراجع تقلید در پایین منبر من بودند و صدای تیر از هر طرف به گوش می‌رسید.

در این اثنا بود که جنازهای بر دوش مردم به نام سید حسین روزنامه‌فروش وارد صحن شد و به پای منبر آوردند. اعلام قم نمی‌دانستند که چه باید بکنند، بگویند مردم متفرق شوند دیگر بعداً نمی‌توانند زندگی کنند از این رو من به خاطر م آمد که مردم را به خاطر چهانی که در بردند به متفرق کنم. دعوت عمومی به عمل آوردم از مردم که برای ساعت پنج بعداز ظهر مراجعت کنند به آستانه قدس معصومی و مراجع هم آنجا جمع می‌شوند تا تصمیم قطعی گرفته شود. این

## عاریخ

کفتوگو ۸۸۴۹۸۴۷۹



روایت منتشر نشده شهید آیت‌الله سیدمصطفی خمینی از آغازین مقطع نهضت اسلامی

# مردم ایران پدرم را جامع فضایل گذشتگان یافتند

■ **محمد رضا کائینی**

متن حاضر بخشی از یادداشت‌های آیت‌الله شهید حاج سیدمصطفی خمینی در خصوص آغاز نهضت اسلامی و قیام خودجوش ملت ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ش است که برای اولین بار منتشر می‌شود. این یادداشت‌ها بر گرفته از نوشته‌هایی است که مرحوم سیدمصطفی خمینی درباره زندگی حضرات معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین نوشته است. آن شهید والا در ابتدای این نوشته‌ها می‌نویسد: «روز چهارشنبه هجدهم ماه شوال المکرم که با خطبه افتاد که بقیه کتابی که در ششون اهل حق بنا داشتم بنگارم مشغول شوم... مدت کوتاهی این قصه به تاخیر افتاد به خاطر تبعید شدن به ترکیه و از آنجا به عراق و اکنون در نجف هستم و فرصتی است امیدوارم که موفق شوم و این موضوع را خاتمه بدهم. ذیقعدةالحرام سنه ۱۳۸۵ مطابق سال ۱۳۴۴ سید مصطفی خمینی» نویسنده در این یادداشت‌ها هر جا که مناسبت می‌دید در تبیین وقایع صدر اسلام، گریزی نیز به مسائل دوران معاصر به خصوص مسائل ایران می‌زد و از این فضا در نقد رژیم جبار پهلوی و قیام مردم ایران بالاخص قیام خونبار ۱۵ خرداد سال ۴۲ استفاده می‌کرد. یادداشت‌های مربوط به قیام خرداد در تبیین زندگی امام حسن مجتبی(ع) و علل تفاوت رفتار آن حضرت در برخورد با معاویه با رفتار پدر بزرگوارشان حضرت علی‌بن ابیطالب(ع) و تشریح تحرک و سکوت علما در بعضی از دوران‌ها در مقابل حکام جور

و مطلب را نگارنده به مردم ابلاغ کردم و ضمن چند

دقیقه صحبت اعلام داشتم که این موضوع یک مطلب همگانی است و نظر به اینکه محتاج به تأمل است باید ملت مراجعت کنند. این بود که بعد از مراجعت ملت(انظامیان) آستانه را محاصره کردند و تا ۱۰ روز قم به صورت یک شهر نیمه‌ورشکسته و از جنگ فارغ شده درآمده بود.

خدا می‌داند که در روز ششم یا هفتم بود که از کنار شهر قم عبور کردم چشمم افتاد به آن کامیون‌ها که مورد حمله ملت غیور شهر قم بود، گویی که اینها از جنگ با متفقین برگشته بودند. هم آغاز با این سر و صدا که در قم از اول آفتاب پیدا شد در تهران قرب بود که در سه ساعت بعد از آن بود که صدای چند صد برابر این صدا به گوش می‌رسید و همگی با یک جنبش همه‌جانبه می‌گفتند: با مرگ یا خمینی؛ مسلسل‌های بیگانگان که از پول این ملت تهیه شده بود به روی این ملت بستند و گفته شد که قرب بیا ۱۵ هزار نفر را در مدت بسیار کوتاهی از بین بردند و مطابق نقل صحیح در میدان سپه توپ می‌انداختند و خدای می‌داند که قوای دشمن ملت تا چه حد بی‌شرمی کرد.

ابتدا دستور شلیک نداشتند و بعد از آن که دیدند

کار ملت بالاگرفته است و در نزدیکی بی‌سیم رسیدند دستور دزدن به هدف توسط رئیس پلیس

وقت به نام سرهنگ وثیق ابلاغ شد. ولی این دستور همراه با آن بود که به قسمت پایین تنه بزنند ولی

باز خطر نزدیک‌تر شد از این جهت توسط بی‌سیم شخص شاه خائن(لعنه الله تعالی) به شماره ۲۷/۲۵ که رمز مخصوص آن وقت بود فرمان صادر کردند و مردم بی‌گناه شهر تهران را به آتش کشیدند. این خبر تا عصر روز پانزدهم خرداد یعنی دوازدهم محرم به گوش می‌رسید.

فردای آن روز هم صدایی از گوشه و کنار به پا خاست ولی دیری نپایید که باز درهم شکسته شد. تهران تحقیقاً تعطیل بود، اطراف تهران تعطیل بود، باز ورامین جماعتی با اسلحه سرد حمله به تهران کردند. در اواسط راه مصادف شدند با قوای مسلح، همگی را کشتند و یکی از دوستان موفق به من که از مشهد در آن ساعت رسیده بودم می‌گفت گویا تپشای از کشته مردم ساخته‌اند و از کنار آن مسیر خون جاری به چشم می‌خورد.

همراه با این سر و صدا که در تهران و قم و ورامین بود در سایر شهرستان‌ها خصوصاً شیراز که آقای

محلای را از آنجا روز شانزدهم گرفتند و در مشهد



شهید آیت‌الله سیدمصطفی خمینی در کتابخانه منزل شخصی در نجف

۱۵ خرداد ۱۳۴۲: نمازی از تظاهرات گسترده مردم تهران در اعتراض به دستگیری امام خمینی

### پیش‌خواب

نظری و گذری بر اثر تاریخی «محرم ۱۳۵۷ در آیینه اسناد»

## «سوگ» و «قیام»

■ **منصور خلیلی**



انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران یحتمی مهم‌ترین آن، دارای مقاطع و برهه‌های سر نو شت سا ز

مخصوص به خود است؛ مناطقی که انقلاب را در مسیر کامیابی و پیروزی قرار داد. یکی از مهم‌ترین این مقاطع که تأثیر شگرفی در پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم سلطنتی در ایران داشت ماه محرم است. در این ماه حرکت انقلاب متأثر از حرکت انقلابی و بزرگ امام حسین(ع) شتاب بیشتری گرفت و با تجمع مردم در مساجد برای برگزاری عزاداری سیدالشهدا و یارانش، انقلابیون به‌خصوص واعظین، خطبا و روحانیان انقلابی توانستند با ایراد خطبه و سخنرانی‌های متعدد پیام امام و انقلاب را به آنها رسانده و آنها را آگاه نمایند و مردم را در راه مبارزه علیه رژیم پهلوی ثابت‌قدم سازند و مردم نیز با تأسی از فداکاری امام حسین(ع) و یارانش در روز عاشورا برای فداکاری در راه انقلاب و حتی شهادت در این راه مهیاتر شدند. این آمادگی را می‌توان در تظاهرات و درگیری‌هایی که در این ماه میان مردم

و رژیم رخ داد -مانند درگیری‌های روز اول

محرم- مشاهده نمود.

از بعد سیاسی نیز حرکت انقلاب در این ماه از شتاب بیشتری برخوردار بود و این شتاب باعث شد تا دولت نظامی از هاری که رژیم به عنوان آخرین راه‌حل برای نجات خویش بدان متوسل شده بود، در اثر امواج خروشان انقلاب در ماه محرم متلاشی شده و بعد از برگزاری تظاهرات باشکوه مردم در روزهای تاسوعا و عاشورای محرم ۵۷ و قطعنامه



■ **راهپیمایی روز عاشورای سال ۱۳۵۷.** شهید آیت‌الله دکتر بهشتی در صف نخست دیده می‌شود

و ممنوع شدن آن در نیمه دوم حکومت وی پرداخته می‌شود.

ب) در قسمت دوم این فصل به بررسی و تأثیر قیام امام حسین بر نهضت امام خمینی خصوصاً قیام ۱۵ خرداد -که در دهه دوم محرم سال ۱۳۸۲ رخ داد- پرداخته شده و نقش هیبت‌های عزاداری امام حسین(ع) در به‌وجود آمدن قیام ۱۵ خرداد، به‌خصوص در سطح بازار تهران و شهر ورامین، مورد اشاره قرار می‌گیرد. در فصل دوم به بررسی روزانه تحولات، درگیری‌ها و اتفاقات ماه محرم ۱۳۵۷ از ابتدا تا انتها به‌خصوص دو تظاهرات تعیین‌کننده روزهای تاسوعا و عاشورا در سر تاسر کشور پرداخته و سعی شده با ارائه جزئیات برای خوانندگان، اهمیت حوادث این ماه در سرنگونی رژیم و پیروزی انقلاب تریسم شود.

از آنجایی‌که روز اربعین را باید به طور طبیعی دنباله حوادث ماه محرم محسوب نمود در انتهای فصل، به تظاهرات این روز در تهران و دیگر نقاط کشور پرداخته شده است.

در فصل سوم که فصل پایانی بخش اول این پژوهش محسوب می‌گردد، به پیامدهای ماه محرم در حوادث انقلاب پرداخته و تأثیر آن را در حوادثی چون شکست دولت نظامی ارتشبد از هاری، فرار شاه از ایران، قطع امید حامیان خارجی رژیم از آن و سرانجام بازگشت امام و پیروزی انقلاب اسلامی بررسی نموده‌ام. بخش دوم این تحقیق بخش اسنادی است که در آن منتخبی از اسناد محرم و اربعین ۱۳۵۷ شامل اعلامیه‌های امام خمینی درباره این ماه و حوادث آن، تعدادی اعلامیه از اشخاص و جماعتی دیگر، گزارش‌های ساواک از تظاهرات مردم و... آورده شده است. در پایان پژوهش نیز تعدادی عکس و ضمیمه دیگر درج شده است.

شماره ۱۳۴۲: نمازی از تظاهرات گسترده مردم تهران در اعتراض به دستگیری امام خمینی